

بازآفرینی پایداری با تأکید بر نقش طبیعت در ساختار کالبدی شهرهای ایرانی - اسلامی (بررسی موردی روددره مقصود بیک تهران)

فاطمه یزدگرد

کارشناس ارشد معماری

تاریخ پذیرش: ۹۰/۰۹/۰۷

تاریخ دریافت: ۹۰/۰۶/۲۰

چکیده

الگوی شهرهای کهن ایرانی - اسلامی در گذشته با اتکای بر دو عامل اساسی شکل گرفته است. در جایگاه نخست، اسلام به عنوان نظام کمال یافته اجتماعی، فرهنگی، ارزشی و تعالی بخش انسان‌ها و در جایگاه بعد معماری ایرانی به منزله تجلی گاه کالبد فرهنگ ایرانی در ساختارهای فیزیکی قرار دارد. این شهرها با توجه به ویژگی‌های کارآیی اقتصادی، پویایی اجتماعی و تعالی فرهنگی در کنار آسیب‌های اندک زیست محیطی تا حدودی شکل شهر پایدار توسعه یافته را ارتقا داده‌اند. هر چند در این مجموعه‌ها تفاهمی چون حقوق شهر و شهروندی به دلیل استقرار حکومت‌های غیر مردم‌سالار و غیر اسلامی مورد غفلت واقع شده است. شهر تهران در سال‌های اخیر (به خصوص از دوران حکومت پهلوی) به علت تمرکز خدمات در آن با رشد شتابان جمعیت و به تبع آن با افزایش مهاجرپذیری مواجه بوده است. از پیامدهای این گسترش نسنجیده می‌توان به افزایش و تراکم توده‌های ساختمانی و سازه‌های انسان‌ساخت و در نتیجه غلبه بافت مصنوع بر عرصه‌های بدیع و بکر طبیعی و بلعیدن عناصر ارزشمند تاریخی و طبیعی به درون خود اشاره نمود. توسعه غیر منسجم شهر تهران در این تغییر، روند سال‌های اخیر و رشد ناموزون برخی از مؤلفه‌ها به خصوص مؤلفه اقتصادی در کنار به هم ریختن آرامش اجتماعی و آسایش زندگی، افزایش آلاینده‌های محیطی و زیست محیطی، بروز و تشدید آسیب‌های اجتماعی و رونق گرفتن الگوی از معماری فاقد هویت (بدون در نظر گرفتن ضرورت بازآفرینی عوامل مؤثر بر جذابیت قبلی شهر تهران) این شهر را به سمت ناپایداری سوق داده است. در این میان، بازآفرینی عناصر طبیعی از دست رفته به خصوص روددره‌های درون شهری در جهت نقش آفرینی پایدار زیرساخت‌های سبز در ساختار شهر و تجهیز آن‌ها به زندگی جمعی از نقش اساسی برخوردار است. مقاله حاضر روددره مقصود بیک را به عنوان یکی از اندام‌های اکولوژیک شهر تهران مورد مطالعه قرار داده است و با انجام مطالعات میدانی و بررسی مدارک، بر اساس امکانات و فرصت‌ها، محدودیت‌ها و تهدیدها، راهبردهایی را به منظور بازآفرینی پایداری آن ارائه داده است.

واژگان کلیدی: توسعه پایدار، بازآفرینی، عرصه فعالیت جمعی، پایداری منظر شهری، روددره مقصود بیک.

مقدمه

طبیعت، به عنوان نخستین بستر شکل‌گیری فضاها و عناصر مصنوع است که در آن کوچک‌ترین مداخله از سطح مناسب‌سازی و دسترسی‌پذیری تا دخالت‌های گسترده کالبدی در حد ایجاد شهر و سکونت‌گاه اتفاق می‌افتد. عناصر طبیعی در هر حال به عنوان ظرفیت‌ها و توانایی‌های بالقوه ایجاد و تشدید انگیزه این دخالت‌ها محسوب می‌شوند، و شرایط مناسب توسعه کالبدی هر منطقه‌ای را برای استفاده و استقرار کاربری خاص بیان و فراهم می‌سازند. سپس می‌توانند با تلفیق فضاها و انسان‌ساخت با عناصر طبیعی، مجموعه‌هایی از بدیع‌ترین مناظر تا بدترین چشم‌انداز بصری را به خود بگیرند.

در شهرسازی ایران در دوران گذشته، علی‌رغم شکل‌گیری شهرها بر اساس ساختارهای طبیعی و ارگانیک از قبیل رشد خطی و پراکنده در مسیر جاده‌ها، رودخانه‌ها، باغ‌ها و کشتزارها همواره توجهی نسبی به ایجاد پیوند و ارتباط منطقی میان طبیعت با کالبد و یا محیط‌های طبیعی با عناصر انسان‌ساخت وجود داشته است. در دهه‌ها نیز در شهرها از جمله این عناصر هستند؛ به گونه‌ای که علاوه بر ایجاد باغ‌ها شهری در امتداد آن‌ها به مثابه فضاها سبز و تنفس‌گاه طبیعی، به عنوان کریدورهایی برای جابه‌جایی و انتقال هوا و خودپالایی هوای پیرامون عمل کرده‌اند. در کنار آن نیز امکان جابه‌جایی جمعیت و ایجاد پیوندهای ساکنان روستاهای شکل گرفته را فراهم ساخته‌اند. با نگاهی به تاریخچه این رودخانه‌ها می‌توان به سایر نقش‌های این عناصر طبیعی - فضایی همچون برگزاری مراسم مذهبی و نیایش، گذران اوقات فراغت، تعامل اجتماعی ساکنان و مکان‌های مناسب کسب و کار و فعالیت‌های اقتصادی نیز اشاره کرد. از سویی نگرش اسلامی مسلمانان به تمیز نگه داشتن آب و محیط زندگی، در کنار اهمیت تلفیق و یکپارچگی مکان‌های کسب و کار با مساجد و حسینیه‌ها و حضور طبیعت و دین در زندگی و کسب و کار به گونه‌ای بر تقویت مؤلفه‌های توسعه پایدار شهری تأکید داشته است.

در سال‌های اخیر رشد بی‌رویه جمعیت، مساحت و کالبد مصنوع شهرها و به تبع آن مهاجرت روستاییان در جست‌وجوی کار برای به‌دست آوردن فرصت‌های شغلی واقعی و یا کاذب، موجب به هم ریختن این تعادل و توازن بین کارکردهای شهری و از بین رفتن محیط طبیعی به نفع محیط مصنوع گردیده است. محیطی که در روند شکل‌گیری آن علاوه بر از بین رفتن بالندگی‌های محیط بدیع و نادر طبیعی، فاقد هویت و هر گونه مؤلفه‌های معماری در ایجاد همسازي و آمیختگی با بستر طبیعی پیرامونی و ویژگی‌های معماری ایرانی - اسلامی بوده است.

شهر تهران، به عنوان یکی از شهرهای بزرگ با رودخانه‌های متعدّد با این دگرگونی ناپایدار و غیر جذاب در دهه‌های گذشته روبه‌رو بوده است؛ به طوری که، نقش رودخانه‌های درون شهری، به عنوان تشکیل‌دهنده استخوان‌بندی اصلی و ارگانیک شهر در قالب منطقه‌ای بیلاقی سرسبز و زیبا از دست رفته است.

فرضیه پژوهش این مدعا را مطرح می‌کند که در شهر تهران راه

حل مناسب برای جلوگیری از روند مخرب توسعه نامتعادل، برای رسیدن به شرایط حداقّلی توسعه پایدار شهری، بازآفرینی نقش و جایگاه رودخانه‌ها در زیر مجموعه‌های اقتصادی، اجتماعی، کالبدی، فضایی، فرهنگی، زیست محیطی، مدیریتی و اجرایی شهر است. روش پژوهش، توصیفی - تحلیلی است که به منظور انجام آن از دو روش اسنادی و میدانی برای تدوین مبانی نظری و گردآوری اطلاعات و از مدل SWOT برای تجزیه و تحلیل و تلفیق آن‌ها استفاده شده است.

۱. مفاهیم و دیدگاه‌های نظری

۱-۱- توسعه پایدار

امروزه توسعه پایدار به عنوان الگوواره جدیدی در جهان مطرح شده است. «ریشه‌های توسعه پایدار به نارضایتی از نتایج توسعه و رشد اقتصادی - اجتماعی در جوامع شهری و روستایی از منظر بوم‌شناسی (اکولوژی) برمی‌گردد. این الگو درصدد است با الگوهای تولید، توزیع و مصرف ناسازگار با طبیعت به مقابله بپردازد و از اتمام منابع و تخریب محیط زیست جلوگیری کند و تنها فرایند توسعه‌ای را تأیید می‌کند که به بهبود کیفیت زندگی انسان‌ها در حد ظرفیت پذیرش نظام‌های پشتیبان حیات منجر شود» (نونبخش و ارجمند سیاه پوش، ۱۳۸۸: ۲۳). این الگوواره برای جلوگیری از ناپایداری، به عدالت بین نسل‌ها، وابستگی به طبیعت، برتری کیفیت توسعه بر کمیت رشد، کل‌گرایی و توانمندسازی اجتماع‌ها به همراه ارزش‌های معنوی و انسانی، تأکید ویژه‌ای دارد و درصدد گسترش سیاست‌های پایداری به پهنه‌های جغرافیایی و توجه به ابعاد اجتماعی - اقتصادی در کنار بُعد بوم‌شناسانه آن است (صرافی، ۱۳۷۹: ۹).

از توسعه پایدار تعاریف متعددی ارائه شده است که برخی از آن‌ها به شرح زیر است:

بر اساس گزارش برانت لندن، توسعه پایدار، «توسعه‌ای است که نیازهای کنونی جهان را تأمین کند، بدون آن که توانایی‌های نسل آینده را در برآوردن نیازهای خود به مخاطره افکند. توسعه پایدار، رابطه متقابل انسان‌ها و طبیعت در سراسر جهان است» (UNESCO, 1997: 13).

«مفهوم توسعه پایدار ناظر بر این واقعیت انکارناپذیر است که ملاحظات مربوط به اکولوژی می‌تواند و باید در فعالیت‌های اقتصادی به کار گرفته شود. این ملاحظات شامل ایده ایجاد محیطی منطقی است که در آن ادعای توسعه به منظور پیشبرد کیفیت همه جنبه‌های زندگی مورد چالش قرار می‌گیرد» (رادکلیفت، ۱۳۷۳: ۳۴).

توسعه پایدار به بیان لمن و ککس^۲ عبارت است از: «روند بهبود شرایط اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و تکنولوژیکی به‌طور مساوی و عادلانه. این توسعه در جهتی پیش می‌رود که اکوسیستم‌ها را آلوده نمی‌سازد و به تخریب منابع طبیعی منجر نمی‌گردد» (Le- man and E.Cox, 1991: 218).

هر شهری با محدوده شهری دارای آستانه ظرفیت معینی است که بعد از آن آستانه، تنزل کیفیت محیط رخ می‌دهد. محدوده

ساختار موضع‌شناختی طبیعت است. عناصر اساسی فضای شهری شامل ساختمان یا عابرا، عناصر انسان‌ساخت (عناصر کالبدی و فعالیتی)، روابط و زمان است (حبیبی و مقصودی، ۱۳۸۶: ۱۱-۱۰).

درک فضا و ساختار شهری مبتنی بر دو دیدگاه است که یکی از آن‌ها فضای شهر را از بالا تحلیل می‌کند و به مردم، ساختمان‌ها و اشیاء توجه دارد و در دیگری تحلیل فضای شهری از پایین است که به معنای توجه و اهمیت دادن به زندگی روزمره افراد در شهر و معنا بخشیدن به آن است. به اعتقاد لوفور^۴، درک ما از فضای شهری باید آمیخته از این دو دیدگاه باشد. «بهترین راه درک فضای شهری، با توجه به تمامی ابعادش، دنبال کردن فرایند شکل‌گیری آن است. در فرایند تکامل و شکل‌گیری است که می‌توانیم هندسه فیزیکی را با هندسه‌های اجتماعی و نمادین ربط دهیم و نیز جهان اشیاء را با جهان انسان‌ها مرتبط سازیم و این ناشی از سنن معماری و مورفولوژی شهری است، که به نظریه «تاریخ‌دار بودن بافت شهری» شکل داده‌اند. منشأ دیگر این تفکر، سنت علوم اجتماعی است که معمولاً فضا را با زمینه گسترده‌تر فرایندهای کلی جامعه‌شناختی مرتبط می‌سازد» (مدنی پور، ۱۳۸۴: ۱۳۱).

فرسودگی به عنوان مهم‌ترین مسائل مربوط به فضای شهری، باعث بی‌سازمانی، عدم تعادل و عدم تناسب آن می‌شود. کاهش فرسایش، ارتباط مستقیمی با مسأله پایداری دارد و بالا بردن پایداری شهری نیازمند مرمت شهری به طور مستمر و بازنده‌سازی است (حبیبی و مقصودی، ۱۳۸۶: ۱۸-۱۵). بازآفرینی (معاصر سازی) یعنی تولید سازمان فضایی جدید منطبق بر شرایط تازه که در ایجاد روابط شهری جدید و یا تعریف دوباره روابط شهری کهن یا موجود مؤثر می‌افتد (پیشین، ۲۳).

۴. طراحی شهری پایدار

به اعتقاد جان پانتر^۵، می‌توان در میان زمینه وسیع طراحی شهری، چهار تفکر مؤثر را مشخص ساخت:

(الف) منظر شهری: کیفیت بصری و کالبدی ساختمان‌ها در زیستگاه‌ها، فضاهایی که در قرارگاه‌شان ایجاد می‌کنند، ارتباط آن‌ها با عناصر طبیعی و چگونگی اداره این عوامل به سوی بهترین اثر زیبایی‌شناسی محور اصلی این نظریه است.

(ب) عرصه عمومی: جنبه روابط اجتماعی فضاهای عمومی، نیمه خصوصی و خیابان‌ها در درون هر قرارگاه و چگونگی طراحی این فضاها برای ارتقای محیط ایمن و جذاب، سیرکولاسیون مناسب و طیف گسترده‌ای از تجربه اجتماعی مطلوب را شامل می‌شود.

(ج) درک عمومی: درک قرارگاه‌ها، فضاها و ابنیه، حس مکان، خوانایی، دسترسی، ارزیابی، رفتارهای عمومی و معانی ضمنی آن را برای طراحی منظر شهری و عرصه‌های عمومی شامل می‌شود.

(د) ابعاد اکولوژیکی: بر پایه مسائل اکولوژیکی، توسعه پایدار شهر و نگرانی‌های زیست محیطی (به صورت مرئی و نامرئی) است (Punter, 1997: 80-81).

طراحی محیط پایدار، معماران و طراحی شهری را در جهت تعریف حس مکان هدایت می‌سازد. چنین هدفی ابعاد اجتماعی و طراحی

یا قلمرویی که هر ناحیه باید توسعه را با آن مطابقت دهد، بر خوردی زیست محیطی قابل اندازه‌گیری است (Jenks, Burton and Williams, 1996: 216). با در نظر گرفتن توان و ظرفیت محدود بستر اکولوژیک شهرها، توسعه پایدار شهری با توجه به ویژگی‌های محلی و محیطی در همین قالب و با رعایت اصول اساسی توسعه پایدار، امکان‌پذیر خواهد بود (نونابخش و ارجمند سیاه پوش، ۱۳۸۸: ۱۵۵).

اهداف بنیانی فعالیت‌های هر جامعه، ارتقای شرایط کمی و کیفی زندگی انسان است. بنابر این در توسعه پایدار شهری که با این هدف تحقق می‌یابد پنج اصل قابل توجه است: ۱. ارتباط با طبیعت، ۲. امنیت و ایمنی، ۳. ارزیابی، ۴. آگاهی و دانش، ۵. وحدت و جامع‌نگری (تقی زاده، ۱۳۷۹: ۷۳).

۲. شهر اکولوژی و پایدار

برای درک نقش زیست محیطی شهرها، باید در درجه نخست، شهر را به عنوان جزئی از کل محیط زیست و در همبستگی با محیط اطراف در نظر گرفت. در تفکر پایدار، انسان در وابستگی تعهدآور با طبیعت است. اصلی‌ترین ویژگی‌های شهر پایدار توجه به محدودیت‌های اکولوژیکی، پایداری اجتماعی، حس مکان، چارچوب‌های اخلاقی جدید، ادغام ملاحظات اجتماعی و زیست محیطی و جمع‌گرایی است. «شهر اکولوژی، شهری است پایدار که می‌تواند به ساکنان یک زندگی معنی‌دار بدهد، بدون این که پایگاه اکولوژیکی که بر روی آن اتکا دارد را تخریب کند» (بحرینی، ۱۳۷۸: ۲۷۷). در اکولوژی شهری، شهر به عنوان یک اکوسیستم مورد توجه قرار می‌گیرد و نقش منابع طبیعی به عنوان بستر شهرها در اولویت قرار دارد.

دونلا میدوز^۲ در این باره بیان کرده است که مسأله اصلی در قرن بیست و یکم این است که چگونه در چارچوب محدودیت‌ها و هماهنگ با زمین و همنوعان خود، زندگی خوب و درستی داشته باشیم. شهرهای بزرگ حاصل بیرحمی، گمراهی، افسارگسیختگی انسان است و شهرهای قابل زیست پایداری خود را مدیون فروتنی، عطوفت و قبول مفهوم قناعت هستند. (Meadows, 1994)

۳. درک شهر و فضای شهری

شهر متنی اجتماعی - مکانی است که ما به عنوان فرد یا گروه به آن وارد می‌شویم و برای استفاده یا تغییر آن، بر آن اثر متقابل می‌گذاریم. تعامل میان برنامه‌ریزان و طراحی شهری با ساکنان شهر و فضای شهری بر شکل این متن تأثیر زیادی می‌گذارد. نقشه ما از شهر، باید دارای لایه‌های هم‌پوشش‌گر چندگانه‌ای باشد که هندسه فیزیکی، اجتماعی و روان‌شناختی شهر را در آن واحد، بهتر نشان دهد. این نکته در راستای رویکردهای اجتماعی - مکانی در فلسفه اجتماعی، جغرافیای شهری، جامعه‌شناسی شهری و معماری است که به این ابعاد به صورت هم‌زمان می‌پردازند و بر رابطه پویای وجوه آن، تمرکز می‌یابند (مدنی پور، ۱۳۸۴: ۱۳۰). فضای شهری مکان وقایع، رویدادها و آمد و شد میان گذشته، حال و آینده است و دارای وابستگی به

کالبدی و همین طور، تعبیر فضایی شهری و طراحی ساختمان دارد. «در طراحی شهری، حس مکان به تصورات ذهنی از شکل شهر و معنای آن که القا می‌کند، یعنی ارزش‌های وابسته به آن‌ها مربوط می‌شود و ثانیاً به سلامت اکولوژیکی و فرهنگی شکل شهر بر پایه شرایط اقلیمی و فرهنگی محل ارتباط دارد (لنگ، ۱۳۸۶: ۴۸۸).

۵. عرصه عمومی شهرها

از فضای عمومی، به عنوان بخشی تشکیل‌دهنده از عرصه عمومی تعاریف گوناگونی ارائه شده است. «گر، فضای عمومی را به عنوان بستر مشترکی که مردم فعالیت‌های کارکردی و مراسمی را که پیونددهنده اعضای جامعه است، در آن انجام می‌دهند، چه روزمره‌گی‌های معمولی باشد و چه جشنواره‌های دوره‌ای، آن را صحنه‌ای که به روی آن نمایش زندگی جمعی، در معرض دید قرار می‌گیرد، تعریف می‌کند» (مدنی‌پور، ۱۳۸۴: ۲۱۳).

از دید والزر، ویژگی فضای عمومی، زندگی جمعی، فرهنگ شهری و مباحث روزمره را بیان می‌کند و در ضمن بر آن‌ها تأثیر می‌گذارد (پیشین: ۲۱۵).

فرانسیس تیبالدز^۶، چنین بیان می‌کند که: فضاهایی که عرصه عمومی را می‌سازند، از اشکال، ابعاد و کاربری‌های متعددی شکل گرفته است که خیابان‌ها، میادین، پیاده‌راه‌های عمومی، پارک‌ها و فضاهای باز را شامل می‌شوند و به کنار رود و کناره دریاها گسترش می‌یابند. این مکان‌ها به قشر اجتماعی وسیعی تعلق دارند (Tibbalds, 2001: 13-15).

هنری شفتو^۷، در کتاب فضاهای تفریحی شهری، بیان می‌کند: «فضاهای عمومی تعدادی از وظایف کاربردی را برای مقاصد تجاری، ملاقات، مذاکره، استراحت و ... مهیا می‌سازند و در عین حال ابعاد اضافی از فضاهای عمومی شامل نیازهای روان‌شناختی به خوبی مسائل صرفاً فیزیکی می‌باشند» (Shaftoe, 2008: 51).

روان‌شناسان اکولوژیست در سال ۱۹۶۰، عرصه عمومی را به عنوان بسترهای رفتاری مورد توجه قرار دادند. «یک بستر رفتاری از یک الگوی رفتاری ثابت (یا تکرار شونده)، یک محیط (الگوی شکل ساخته شده) و یک دوره زمانی تشکیل می‌شود. این محیط باید دارای شرایط لازم برای وقوع رفتارها باشد» (لنگ، ۱۳۸۶: ۱۹).

۶. طبیعت و پایداری منظر شهری

دو نوع رویکرد نسبت به طبیعت شهری شامل رویکرد تفکیکی شهر و طبیعت و رویکرد کل‌نگر وجود دارد.

۱- رویکرد کل‌نگر (نظریه سیستمی): به طبیعت و شهر توأمان در قالب سیستم می‌پردازد و پایداری شهری با شناخت و نقش‌آفرینی زیر ساخت‌های طبیعی در ساختار شهری به صورت متقابل میسر می‌گردد.

نظریه سیستمی، به ارائه توانمندی‌هایی برای مدیریت منظر، برنامه‌ریزی و طراحی برای یکپارچه‌سازی سیستم‌های متنوع، بهینه‌سازی، سلامت و سودمندی محیط‌های طراحی شده و بالا بردن پایداری و مناظر احیا شده با ارتباط زیاد می‌پردازد. این

رویکرد به طراحی کمک می‌کند تا به طور همزمان به سیستم‌های اکولوژیکی، کالبدی، روان‌شناختی، تکنولوژیکی، سیاسی و اجتماعی پاسخ‌گو باشند و سیستم‌های متنوع را برای ارتقای فیزیولوژی انسانی و طبیعی و سلامت روان‌شناسی یکپارچه سازند. (Motloch, 2000: 33-34)

۲- رویکرد تفکیکی شهر و طبیعت: این رویکرد به تضعیف و در نهایت نابودی توانمندی‌های طبیعی در شهرها می‌انجامد. تفکیک انسان، کالبد مصنوع و محیط طبیعی در داخل شهرها با هدف برتری انسان و یا طبیعت، بر آن است که با غلبه محیط مصنوع بر طبیعی، به سوی نابودی کامل طبیعت به پیش رود. نتیجه این عدم توازن، باری ویران‌گر بر دوش طبیعت شهر و اطراف آن می‌گذارد و ساختار شهر را در جهت از هم گسیختگی پیش می‌برد.

به اعتقاد سایمون بل^۸: «مشکل اصلی ایده محیط جدا از ما، این است که ما به این مسأله گرایش داریم که برای احترام به محیط، آن را به عنوان شیء یا طرف مقابل که مغلوب یا رام شده است، نگاه کنیم. فقدان فهم و درک از فرایندهای منظر و ویژگی‌های فرهنگی و غیر طبیعی اطراف‌مان بیانگر این موضوع است.» (Bell, 1999: 65)

معماری منظر، حرفه‌ای است که هنر و علم را برای مدیریت، برنامه‌ریزی و طراحی کامل از مناظر فرهنگی و کالبدی ادغام می‌کند تا سلامت اکولوژیکی، انسانی و تندرستی را تأمین سازد. این حرفه پایداری منظر (توانایی منظر برای پایدارتر شدن بدون تخلیه و تخریب منابع)، بازسازی (بازآفرینی توانایی‌های سیستم منظر)، حس مکان قوی (توانایی مکان برای ایجاد تصویر ذهنی که در طی مدت زمان طولانی به یاد می‌ماند) و جامعه‌سازی، تندرستی، سلامت جامعه و سودمندی را ترویج می‌دهد. (Motloch, 2000: 4)

«منظر، در برگزیده منظر شهری و منظر زمین، در تلاش برای محو کردن تفاوت‌ها میان کالبد زمین، درون و بیرون، مرکز و حاشیه است. منظر به راحتی اجازه هم‌گرایی میان معماری، منظر زمین و زیرساخت‌ها را فراهم می‌سازد» (Ellin, 2006: 54). «طراحی منظر در تلاش است که تا توانایی‌های کالبدی و ادراکی منظر را با یکدیگر تطبیق و آشتی دهد تا با طیف وسیعی از نیازهای بشر در زمانی معین مواجه گردد. برای این که این رویکرد پایدار شود، باید هر تطبیقی، تضمینی را برای حفظ کیفیت منظر برای نسل آینده ارائه دهد و راه‌کارهای خود را برای عمل کردن مانعی ایجاد نکنند» (Bell, 1999: 101).

۷. شهرهای کهن ایرانی - اسلامی

شهرهای کهن ایرانی - اسلامی با برقراری پیوند کالبدی و فضایی میان مؤلفه‌های اقتصادی، اجتماعی، اداری، فرهنگی و زیست محیطی، نظامی یکپارچه و پایدار را تشکیل داده‌اند. برخی از ویژگی‌های این شهرها در جهت دستیابی به شهر پایدار به شرح زیر است:

- انسجام شهری و تشکیل مجموعه واحد و منسجم،
- رعایت سلسله مراتب شهری در کنار یکپارچگی فضای شهری،
- تقسیم‌بندی فضاها به سه دسته عمومی، نیمه عمومی و خصوصی،
- ساختار گروهی و اجتماعی محله‌ها در کنار ابعاد اقتصادی و مذهبی و برقراری امنیت و هویت اجتماعی،
- مطابقت ساختار کالبدی با اقلیم محیط و عوارض طبیعی زمین و ارزش‌گذاری نسبت به عناصر طبیعت،
- شکل‌گیری فضاهای شهری در میان فضاهای پیوسته واحدهای مسکونی محصور (حیات‌دار) با رعایت سلسله مراتب دسترسی، نظام اجتماعی و حریم خصوصی،
- انسجام کالبدی و فضایی بازار و جامع با یکدیگر و با مراکز مهم اقتصادی، اداری و فرهنگی شهر (سلطان زاده، ۱۳۶۲: ۶).

۸. رودرزه‌های شهر تهران

تهران به سبب هم‌جواری با دامنه‌های البرز و حضور هفت درّه به عنوان میراث ملی - طبیعی و یال‌های آن در میان جاجورد تا رودخانه کرج و رودرزه‌هایی که از دامنه جنوبی البرز به درون بافت شهری تهران امتداد می‌یابند و در نهایت به کویر جنوبی شهر سرازیر می‌شوند، از موقعیت جغرافیایی و اکولوژیکی خاصی برخوردار است. پیش‌تر، دره‌های سرسبز دامنه جنوبی البرز، کریدورهای جریان آب و هوا، باغ‌ها و آبادی‌ها و مناظر شکل گرفته در پیرامون رودرزه‌ها، به عنوان موهبت‌های طبیعی، هویت شهر تهران را تعریف می‌کرد. آب و مسیل‌ها به عنوان عنصر طبیعی سازنده استخوان‌بندی تهران، در شکل‌گیری، رشد و گسترش آن، جایگاه ویژه‌ای داشته و همواره عنصر اصلی مبین جهت توسعه شهر و در عین حال، عامل نظام‌دهنده و انسجام‌بخش به سازمان فضایی - کالبدی آن بوده است.

بارزترین شکل حضور آب در شهر تهران که هنوز هم از لابلای انبوه ساخت و سازها و توسعه شبکه راه‌ها، قابل بازخوانی است، رودخانه‌هایی است که از بلندای البرز، رو به جنوب سرازیر شده و پس از طی مسافتی، به درون مسیل‌ها هدایت می‌شوند. دره‌های اصلی که جریان‌های فصلی این آب‌ها را هدایت می‌کنند، عبارتند از: کن، فرحزاد، درکه، دربند و دارآباد در شمال. همچنین، سرخه‌حصار در شرق، چیتگر در غرب و حصارک (وسک) در نزدیکی کن، سه مسیر دیگر جریان آب هستند (طرح جامع تهران، ۱۳۸۵: ۳۷).

رودرزه‌ها از عوامل مهم در شکل‌دهی استخوان‌بندی تهران و ایجاد مطلوبیت شهری هستند. در این مورد حفاظت، ایفا و بهره‌برداری از آن‌ها، در الگوی توسعه منطقه موجب می‌گردد تا ضمن استفاده از توانایی‌های محیطی منطقه، میان ساختار طبیعی و مصنوع آن آمیختگی صورت گیرد. محورها و کریدورها به سبب الزام خطی، به طور طبیعی بیش از هر عنصر دیگری در ایجاد پیوند و نفوذپذیری و برقراری ارتباط میان عناصر طبیعی، بصری،

کالبدی، حوزه‌ها و تسهیل حرکت (پیاده و سواره) در منطقه نقش ایفا می‌کنند (طرح تفصیلی منطقه ۳، ۱۳۸۶).
ارزش‌های طبیعی به خودی خود واجد ارزش و عامل پایداری شهری هستند، ولی آن چه به این ارزش‌ها مفهوم می‌بخشد، یکپارچه‌سازی سیاست حفظ، احیا و بهره‌گیری شایسته از آن‌هاست؛ به عبارت دیگر، باید یکپارچه‌سازی ساختار طبیعی و مصنوع، اصل پایه در الگوی توسعه منطقه محسوب گردد (الگوی توسعه منطقه ۳، ۱۳۸۴).

در طرح‌های تفصیلی، حریم رودرزه‌ها به پهنه مختلط با غلبه گردشگری اختصاص داده شده است. این پهنه، محدوده شهری کوهسران شمالی و محدوده پیراشهری کوهسران شرقی تهران را در بر می‌گیرد. کوهسران نام بخشی از سلسله جبال البرز مشرف به تهران است که در ۷۰ سال اخیر با توسعه شهر بخشی از آن به زیر پوشش فعالیت‌های شهری رفته است.

طرح کوهسران در عنوان طرح جامع هفت درّه البرز مشرف به تهران، در چارچوب برنامه‌های توسعه کلان شهر تهران، با هدف منظور داشتن کیفیت محیط زیست دامنه‌های البرز در مقیاس کلان در برنامه‌های توسعه و نقش آن در تعریف هویت تهران در سال ۱۳۷۵ توسط مهندسان مشاور ابرداشت ارائه گردید.
«هدف طرح کوهسران، از یک سو، برجسته ساختن نقش حیاتی هفت درّه کوهسران برای ایجاد رشته‌های طویل سراسری فضاهای پیوسته سبز (شمالی - جنوبی)، امکان پیوند فضاهای باز، باغ‌ها، مسیرهای آزاد پیاده و دیگر فضاهای جمعی بهره‌مند از موهبت‌های طبیعی در مقیاس‌های محله‌ای، ناحیه‌ای، منطقه‌ای و حوزه‌ای، در گستره کلان شهر تهران بوده و از سوی دیگر، تعیین استراتژی تجدید حیات کیفیت‌های طبیعی مستور گشته در توسعه کور کلان شهر تهران است» (نراقی و میر فندرسکی، ۱۳۸۶: ۸۶).

۹. مشکلات کلان شهر تهران و علل نابودی رودرزه‌های آن

در حال حاضر شهر تهران با جمعیت رو به رشد خود و افزایش تراکم ساخت و ساز و توده‌های ساختمانی با کمبود فضاهای سبز و باز، عرصه‌های فعالیت جمعی عمومی و فضاهای خدماتی - تفریحی شهری مواجه گردیده است.

«ساخت و ساز و توسعه شهر تهران به علت اندک بودن زمین‌های مناسب برای این منظور، سبب تقابل توسعه با ساختار طبیعی شهر گردیده و عناصر اصلی در ترکیب طبیعی تهران، به سود اماکن و مراکز شهری دچار خسران و نابودی شدند. باغات کهن، مناطق با ارزش کوهپایه‌ای و درّه‌ها با تمامی ارزش‌های اکولوژیک خود و خدمات زیست محیطی حیاتی که عرضه می‌کنند دستخوش تغییر و تحولاتی جبران‌ناشدنی گردیدند و در مقابل، توسعه شتابناک شهر بدون تناسب با محیط طبیعی صورت گرفت» (ایرانی بهبهانی، زندگی و ابرکار، ۱۳۸۱: ۵۳).

در سال‌های اخیر مدیریت شهری تهران، رویکرد احداث فضاهای سبز و باز تفریحی را در امتداد رود درّه‌های درون شهری

در باقی‌مانده ساختار موجود، ساخت و ساز مصنوع و کف‌سازی مسیر ایجاد شده در حریم رودخانه سبب نابودی، قطع درختان و ایجاد ساختار نامنظم و گسسته طبیعی گردیده است. شاخص‌ترین درختان در این مسیر را چنار، کاج تهرانی، گردو، افاقیا، نارون و زبان گنجشک است که در سال‌های اخیر عدم نگهداری صحیح، آبیاری نامنظم و احداث تراس‌هایی در کناره رودخانه سبب لطمه به ریشه درختان شده است.



تصویر شماره ۳: کیفیت پوشش گیاهی

توپوگرافی و عوارض طبیعی: در محدوده دربند و جعفرآباد، ویژگی کوهستانی و تپه‌ای، با شیب زیاد تا متوسط و عبور رودخانه از میان باغ سعده‌آباد سبب جریان آب و کریدور جریان هوا از شمال به جنوب شده است. در محدوده جعفرآباد و میدان تجریش به سمت جنوب، با احداث کانال بتنی، بستر طبیعی رودخانه و شیب زمین به طور کامل در معرض نابودی است. این امر تخریب پوشش گیاهی پیرامونی را در پی خواهد داشت. گسترش ساخت و سازها در ارتفاعات شمالی، منجر به تخریب عوارض طبیعی زمین شده است و تنها قسمتی از ارتفاعات دربند و گلابدره از مداخله انسان‌ساز در امان مانده و بافت‌های سنتی در این محدوده حداقل خسارت را به توپوگرافی زمین وارد کرده است. در منطقه الهیه با قرارگیری باغ سفارت‌خانه‌ها، وضعیت طبیعی تا حدودی حفظ گردیده و در بقیه محدوده، ساخت و ساز ابنیه نوساز با تراکم بالا در کنار بافت قدیمی و احداث مسیر سواره برای دسترسی به واحدها باعث دگرگونی سیمای طبیعی زمین شده است.



تصویر شماره ۴: عوارض طبیعی

دسترسی و حمل و نقل: از میدان دربند رو به جنوب، دسترسی سواره در عرض باقی‌مانده در مجاورت بلافاصل رودخانه و در امتداد آن موجب تجاوز به حریم طبیعی گردیده است. این مسیرهای سواره متجاوز به حریم، مسیرهای پیاده راه شکل گرفته در پیرامون این رودخانه را به طور کامل از میان برده است و در اکثر مناطق این محورهای شمالی - جنوبی به خیابان‌های شرقی - غربی عمود بر رودخانه متصل شده و سبب ایجاد مسیر عبوری شهری، بار ترافیکی

عدم رعایت ضوابط مربوط به حریم رودخانه‌ها و ساخت و ساز پیرامون محیط‌های طبیعی و بی‌توجهی به توان اکولوژیک بسترهای طبیعی،

ایجاد و شکل‌گیری بافت‌های مسکونی در حریم رودخانه‌ها و احداث آب‌بند و سد در بالادست برای جلوگیری از آسیب به بافت مسکونی در زمان طغیان آب،

مجاورت بی‌واسطه ساخت و سازها با طبیعت (به دلیل افزایش قیمت زمین و سند دارشدن اراضی، بسیاری از اراضی کشاورزی و باغ‌ها به حریم رودخانه تجاوز نموده‌اند)،

افزایش عمق دیوارهای بتنی برای کاهش عرض رودخانه، توسط شهرداری (این نفوذپذیری بصری و فیزیکی به رودخانه‌ها، باعث شده که احساس حضور رودخانه در ساختار شهر از بین برود)،

ریختن پسماند و فاضلاب خانه‌ها و مغازه‌ها به داخل رودخانه (آن‌ها را از یک عنصر طبیعی تقویت‌کننده و برانگیزاننده حس زیبایی به کانال بد بو و بد منظره تبدیل کرده است)،

مجاورت بلافاصل دیواره باغ‌ها و قطعات مسکونی به حریم رودخانه (ایجاد پیاده‌راه‌های پلکانی و خم شدن و سد معبر درختان امکان راهپیمایی و پیاده‌روی متداوم را در طول رودخانه‌ها از شهروندان سلب نموده است)،

پوشاندن مسیر رودخانه‌ها با دال‌های بتنی برای احداث بزرگراه‌ها و یا فضاهای تجاری بر روی آن‌ها (که سبب بی‌توجهی به رود به عنوان عنصری طبیعی در شهر شده است).

۱۰. مطالعات میدانی رودخانه مقصود بیک

رودخانه دربند یا تجریش به عنوان پر آب‌ترین رودخانه پس از کن، از قلّه توچال سرچشمه می‌گیرد و از دو شاخه رودخانه اوسون و شیرپلا، که در محل پس‌قلعه به هم می‌پیوندند، تشکیل می‌شود. بعد از گذر از منطقه سربند، با نام رودخانه دربند وارد کانال بتنی می‌شود. در محل پل تجریش رودخانه گلابدره به رود دربند می‌پیوندد و رودخانه مقصودبیک را تشکیل می‌دهند. این رودخانه در مسیر خود رو به جنوب همراه با شکل‌گیری باغ‌های خطی در پیرامون خود، فئات‌هایی در اطراف باغ‌ها، آبدی‌هایی در پیرامون فضاهای سبز، امام‌زاده‌ها و تفریح‌گاه‌های قرار گرفته در مسیر هویت تهران را تعریف می‌کرده است. در دوران قاجار، فضاهای سبز کاخ‌ها و سفارت‌خانه‌هایی مانند انگلیس و روسیه در نواحی پیرامونی این رودخانه احداث گردید. در سال ۱۳۳۵ با احداث جاده شمیران - تهران، گسترش شهر رو به شمال و اتصال هسته‌های پراکنده در امتداد رود و فئات‌ها صورت گرفت. با ادامه رشد شهر و صنعت، مراکز کار و فعالیت در حاشیه خیابان شریعتی (شمیران سابق) استقرار یافت و باغ‌ها و اراضی کشاورزی به زیر ساخت و سازها رفتند و توده‌های ساختمانی در فضاهای خالی شهر قرار گرفتند. ویژگی رودخانه مقصود بیک در شرایط حاضر به شرح زیر است:

پوشش گیاهی و منظر: در داخل بافت شهری تهران، باغ‌های سفارت‌خانه‌ها و کاخ‌ها در پیرامون رودخانه با حفظ وضع طبیعی، سطح گسترده‌ای از فضاهای سبز موجود را تشکیل می‌دهند. اما

و آلودگی صوتی و هوا می‌شوند. خیابان شریعتی به عنوان محور اصلی فرا منطقه‌ای با فواصل متغیر نسبت به رودخانه و به موازات آن، از شمال به جنوب کشیده شده و در مسیر خود با عدم رعایت سلسله مراتب دسترسی با خیابان‌های اصلی و فرعی (اتصال‌دهنده ناحیه‌ها و محله‌ها) دارای تقاطع است. قرارگیری کاربری متراکم تجاری - اداری در جداره این خیابان، بار ترافیکی را به منطقه و نفوذناپذیری بصری و فیزیکی را به رودخانه تحمیل کرده است. احداث بزرگراه همّت در تقاطع غیر همسطح به صورت زیرگذر با خیابان شریعتی، منجر گردیده تا رودخانه در محل تقاطع، به کانال تبدیل شود، اما بزرگراه صدر با گذر از روی این خیابان تداوم مسیر رودخانه را تا حدودی حفظ کرده است.



تصویر شماره ۵. دسترسی و حمل و نقل

- ساخت و ساز مصنوعی: استقرار ساخت و سازهای نوساز در پیرامون رودخانه در میان ابنیه قدیمی، به گونه‌ای است که توده ساختمانی در محدوده بلافاصل رودخانه در جهت شمالی - جنوبی، هیچ‌گونه ارتباط بصری را با رودخانه برقرار نمی‌سازد و مانع حرکت نسیم و جریان هوا در امتداد رودخانه می‌گردد. تراکم ساختمانی زیاد این بناها در میان ابنیه قدیمی (حداکثر دو طبقه) و عدم هماهنگی آن‌ها با یکدیگر، خط آسمان نامنظم و کیفیت بصری نامطلوبی را ایجاد کرده است. عرصه و اعیان‌ها در بعضی محدوده‌ها بر اثر سرعت رشد ساخت و ساز، عدم اجرای ضوابط و عدم درک حفظ محیط زیست تا لبه رودخانه کشیده شده است.



تصویر شماره ۶: کیفیت ساخت و ساز مصنوعی

- توانمندی‌های طبیعی و مصنوعی موجود

۱. عناصر طبیعی: وجود گسترده باغ‌های سفارت‌خانه‌های ترکیه و آلمان در مجاورت رودخانه در اطراف پل رومی، باغ سفارت روسیه در غرب رودخانه در محدوده الهیه و باغ سفارت انگلیس در ضلع شرقی خیابان شریعتی در محدوده قلهک، از توانمندی‌های طبیعی سایت محسوب می‌شود. همچنین، باغ‌های خصوصی بر جای مانده از باقی‌مانده و تفکیک باغ‌های قدیمی به صورت

پراکنده در پیرامون رودخانه (بیش تر در منطقه الهیه)، باغ‌های اداره‌ها و سازمان‌های دولتی و فضاهای سبز در رده ناحیه‌ای و محله‌ای به صورت عمومی در محدوده پیرامون رودخانه و خیابان شریعتی فضای‌های سبز منطقه را تشکیل می‌دهد. حضور عوارض و توپوگرافی طبیعی در بعضی از محدوده‌ها، امکان ادغام طرح با بستر و عناصر طبیعی را به وجود می‌آورد.

۲. کاربری مذهبی: زیارت‌گاه امام‌زاده صالح در پل تجریش (در انتهای جاده قدیم شمیران) و امام‌زاده اسماعیل در بافت زرگنده، به عنوان نقاط کانونی با کاربری مذهبی - زیارتی در رده شهری محسوب می‌شود.

۳. کاربری آموزشی - فرهنگی: قرارگیری موزه، فرهنگ‌سرا، سینما و دانشکده با کارکرد فرامنطقه‌ای در امتداد این رودخانه، از نقاط کانونی این محدوده است.

۴. کاربری تجاری - اداری: فعالیت تجاری - اداری فرامنطقه‌ای جاذب جمعیت در جداره خیابان شریعتی، اتصال و ارتباط شهروندان در این راسته را با رودخانه و عناصر طبیعی مقدر می‌سازد.

۵. محورهای حرکتی فرامنطقه‌ای: نزدیکی محورهای حرکتی فرامنطقه‌ای پیرامون رودخانه، امکان پیوند و نقش‌آفرینی این عنصر طبیعی را در استخوان‌بندی تهران فراهم می‌سازد.

بازآفرینی رودخانه‌های شهر تهران به مفهوم بازگشت این عناصر به نقش‌های مثبت گذشته با نیازها و ساز و کارهای امروزی، بدون شک می‌تواند گامی بلند در جهت بازگشت تهران از مسیری نامتعادل و رو به انهدام به سوی توسعه پایدار محسوب گردد. بر این مبنا جدول شماره ۱ بر پایه عملکردها و پی‌آمدهای گذشته و وضعیت موجود این رودخانه‌ها در راستای بازآفرینی پایداری با تأکید بر عناصر هویت بخش به شهرهای ایرانی - اسلامی تنظیم گردیده است.

برای تجزیه و تحلیل یافته‌ها، مدل SWOT بر مبنای عوامل درونی و بیرونی مؤثر بر پایداری رودخانه‌های درون شهری و محیط پیرامونی آن‌ها مورد استفاده قرار گرفته است (جدول شماره ۲). تجزیه و تحلیل SWOT شناسایی نظام‌مند (سیستماتیک) عواملی است که راهبردها باید بهترین هماهنگی را با آن‌ها داشته باشند و منجر به افزایش نقاط قوت و فرصت‌ها و کاهش میزان ضعف و تهدیدها گردند. بنابراین چهار دسته راهبرد به شرح زیر ارائه می‌شود (جدول شماره ۳).

- راهبرد تهاجمی: استواری بر نقاط قوت درونی و فرصت‌های بیرونی.
- راهبرد رقابتی: تمرکز بر نقاط قوت درونی به منظور ایجاد توازن در برابر تهدیدهای بیرونی و رفع آن‌ها در جهت بازآفرینی پایداری شهری.
- راهبرد بازنگری: سعی در بهره‌گیری از فرصت‌های بیرونی در جهت رفع نقاط ضعف.
- راهبردهای تدافعی: کاهش ضعف سیستم برای کاهش و خنثی کردن تهدیدها

جدول شماره ۱. فرایند بازآفرینی روددره‌ها بر مبنای توسعه پایدار با تأکید بر عناصر هویت بخش در شهرهای اسلامی ایرانی

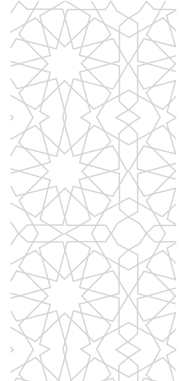
مولفه‌های توسعه پایدار	عملکرد (در زمان گذشته)	پی آمدهای مثبت (در زمان گذشته)	پی آمدهای منفی در وضع موجود	هدف از بازآفرینی روددره‌ها	ویژگی‌های معماری و شهرسازی اسلامی ایرانی
محیط زیست	<ul style="list-style-type: none"> - کریدورهای جریان هوا - کانال انتقال هوا و رطوبت - اکوسیستم‌های طبیعی - منظر سازی طبیعی 	<ul style="list-style-type: none"> - خودپالایی و کاهش آلودگی - مطلوبیت هوا، تأثیر مثبت در سربیزی - افزایش کیفیت بصری مکان در پیرامون روددره‌ها - شکل‌گیری اکوسیستم‌های طبیعی و باغ‌ها در پیرامون روددره 	<ul style="list-style-type: none"> - ناپودی اکوسیستم‌ها، بسترهای طبیعی و باغ‌ها در پیرامون روددره - آلودگی‌های محیطی و هوا و ورود پسماندها و فاضلاب‌ها در داخل رودها - خشک شدن و تخریب پوشش گیاهی و درختان در پیرامون روددره‌ها - مسدود شدن مسیر جریان هوای مطلوب توسط احداث توده‌های ساختمانی در مسیر کریدورها - غلبه کالبد مصنوع بر محیط طبیعی 	<ul style="list-style-type: none"> - پایداری منظر شهری - حفاظت، احیا و بهره‌برداری از میراث‌های طبیعی ملی - گسترش فضاهای سبز و باز از این اندام‌های طبیعی به درون کالبد شهر تهران و یکپارچگی آن - احیای روددره‌ها به کریدورهای طبیعی دائمی - جریان آب و هوا 	<ul style="list-style-type: none"> - ارزش‌دهی به عناصر طبیعی و قداست آنها - توجه به شرایط طبیعی و اقلیمی - تعادل عناصر طبیعی و انسان - ساخت
اجتماعی	<ul style="list-style-type: none"> - آسایش و آرامش ذهنی - ارتباطات و تعاملات اجتماعی - هویت بخشی و حس تعلق خاطر به مکان در ساکنان - ارتباط فضایی - تجمع پذیری 	<ul style="list-style-type: none"> - امکان حرکت و سکون در کناره رودخانه و ایجاد پیاده‌راه‌های خوش منظر - امکان حضور و روبرویی و مکان مکث و توقف - برقراری ارتباط دوسویه و متقابل میان انسان و طبیعت - وجود فضاهایی مناسب برای اجتماع جمعیت - احساس همبستگی ساکنین به شرایط منطقه 	<ul style="list-style-type: none"> - گسست در تعاملات اجتماعی، روبرویی اجتماعی و مشارکت محلی - ناپودی مکان‌های عمومی مکث و توقف‌گاه‌های خوش منظر - مسدود شدن پیاده‌راه‌های خطی به عنوان مکان‌هایی با جذابیت بصری توسط ساخت و ساز مصنوع برای حرکت در امتداد آن - از دست دادن هویت و حس تعلق به مکان در ساکنان و شهروندان - گسست ارتباط میان انسان و طبیعت 	<ul style="list-style-type: none"> - ترکیب اندام‌های طبیعی با نقاط کانونی شهری با فعالیت‌های اقتصادی، آموزشی، فرهنگی و تفریحی - خلق عرصه‌های عمومی فعالیتی در ترکیب با محیط طبیعی و بافت پیرامونی موجود در مقیاس عملکردی فرا منطقه‌ای - افزایش مشارکت مردمی و تعاملات اجتماعی و تحقق حقوق شهروندی و اجتماعی - تجهیز روددره‌های شهری برای کمک به زندگی جمعی و پیوند میان شهر و شهروندان - احیای هویت شهری و پایداری هویت اجتماعی شهر تهران 	<ul style="list-style-type: none"> - روابط اجتماعی بر پایه معنویات - مشارکت و تعاملات اجتماعی ساکنان محلات - هویت جمعی بنابر ویژگی‌های فرهنگی و اعتقادی - سرزندگی (در قلمروهای مادی، معنوی و روانی) - خوانایی ذهنی - تقویت خاطره جمعی و پایدار نمودن آیین‌ها و مراسم
اقتصادی	<ul style="list-style-type: none"> - فعالیت پذیری 	<ul style="list-style-type: none"> - شکل‌گیری فعالیت‌های متنوع اقتصادی (کشاورزی، صنعتی، خدماتی، رفاهی و تفریحی در کنار یکدیگر) 	<ul style="list-style-type: none"> - حضور فعالیت‌هایی با کاربری نامتناسب با محیط طبیعی - افزایش رشد اقتصادی و سنددار شدن اراضی، عامل تجاوز به حرایم رود، تفکیک باغ‌ها و افزایش ساخت و ساز مصنوع - تراکم کاربری تجاری نامتجانس و ناسازگار با سطوح عملکردی متفاوت در پیرامون روددره‌ها و کاهش نفوذپذیری - حضور فعالیت‌های جاذب ترافیک در پیرامون این فضاها 	<ul style="list-style-type: none"> - خلق عرصه‌های فعالیتی در ترکیب با پتانسیل‌های طبیعی - مکانیابی و شکل‌گیری فعالیت‌های اقتصادی متناسب با محیط طبیعی برای پاسخ‌گویی به نیاز شهروندان 	<ul style="list-style-type: none"> - آمیختگی فعالیت‌های اقتصادی با زندگی مردم - کارایی - رعایت میانه‌روی
فرهنگی	<ul style="list-style-type: none"> - گذران اوقات فراغت - جذب جمعیت پیرامونی 	<ul style="list-style-type: none"> - اجتماع ساکنین و گذران اوقات در محیطی مطلوب، سالم، ایمن - جذب جمعیت سایر مناطق تهران و تقویت زمینه‌های اقتصادی و اجتماعی از طریق جاذبه‌های گردشگری 	<ul style="list-style-type: none"> - عدم حضور فضاهایی برای گذران اوقات فراغت در پیرامون روددره به دلیل از دست دادن فضاهای تجمع و استراحت در فضاهای باز طبیعی 	<ul style="list-style-type: none"> - طراحی فضاهای پیرامونی روددره‌ها به عنوان مکان‌هایی برای گذران اوقات فراغت شهروندان - تأکید بر توسعه فضاهای باز و سبز در پیرامون روددره‌ها - برنامه‌ریزی و سامان‌دهی اوقات فراغت (شامل فعالیت‌های مختلف) 	<ul style="list-style-type: none"> - مکان‌یابی فعالیت‌های - تفریحی در امتداد روددره - تفرج در قالب رفع نیازهای روانی و ایجاد شادابی و تمرکز به وجوه معنوی

<p>کالبدی</p> <p>- شکل دهی به بافت مسکونی - پیرامونی - اتصال محلات - یکپارچگی - مکث</p>	<p>- توسعه شهر تهران در امتداد این روددره‌ها - برقراری ارتباط کالبدی ابنیه با پتانسیل‌های طبیعی - اتصال و ارتباط مناسب رود، فضاهای طبیعی پیرامونی و پیاده راه‌های وسیع در عین ارتباط و هماهنگی این اجزا با یکدیگر و نیازها و خواسته‌های جمعیتی - پیوستگی بدنه‌ها و هماهنگی در جنس، شکل، فرم و ارتفاع</p>	<p>- مجاورت بلافصل ساخت و سازها در حریم روددره‌ها - گسترش توسعه کالبدی شهر تهران به ارتفاعات شمالی و افزایش ساخت و ساز مصنوعی (غلبه بر محیط طبیعی) - عدم ارتباط بصری در نمای ابنیه با پتانسیل‌های طبیعی - ایجاد گسست و انقطاع در یکپارچگی محله‌ها و نقش آفرینی روددره‌ها به عامل تفکیک کننده بافت‌های پیرامونی</p>	<p>- نقش آفرینی روددره‌ها در ساختار کالبدی شهر تهران - یکپارچگی کالبد ساخته شده شهر تهران با محیط‌های طبیعی شهری - نقش آفرینی پتانسیل‌های طبیعی در استخوان‌بندی شهر تهران - گسترش رشد اقتصادی بسوی محلات فرسوده در پیرامون روددره‌ها توسط باززنده‌سازی روددره‌ها و فضاهای پیرامونی</p>	<p>- هماهنگی، توازن، وحدت و تجانس کالبدی - خوانایی کالبدی - مقیاس انسانی - تراکم ساختمانی - شفافیت (آینگی در اسلام) - هماهنگی با بافت مجاور</p>
<p>فضایی</p> <p>- پیوستگی</p>	<p>- ارتباط مؤثر حوزه‌های فضایی و عدم گسست در آنها - ارتباط میان کل و اجزا محیط - فرصتی برای درک فضا از طریق حرکت در مسیر پیاده - ارتباط منطقی و یکدست بودن میان اجزا کف و لیه‌ها - شکل‌گیری محورهای دسترسی اصلی به موازات این روددره‌ها</p>	<p>- کاهش نفوذپذیری بصری به محیط‌های طبیعی - اختصاص فضاهای پیرامونی رودخانه به دسترسی سواره و ایجاد مسیر عبوری شهری و پارک حاشیه‌ای - عدم رعایت ضوابط مربوط به حریم طبیعی و تجاوز به این فضاها - عدم رعایت سلسله مراتب فضایی</p>	<p>- پیوستگی حوزه‌های فضایی توسط اندام‌های طبیعی شهری - افزایش کیفیت محیطی حفاظت از حریم روددره‌ها و محیط‌های طبیعی - وابستگی فضای شهری به ساختار موضوع شناختی طبیعت</p>	<p>- انسجام فضایی کاربری‌های مذهبی، اقتصادی، اداری و فرهنگی شهری - تقسیم‌بندی فضایی به دسته‌های عمومی، نیمه عمومی و خصوصی - سلسله مراتب فضایی در کنار یکپارچگی و خوانایی فضایی</p>

جدول شماره ۲. بررسی عوامل درونی و بیرونی مؤثر بر پایداری روددره‌های درون شهری و محیط پیرامونی آنها بر پایه مدل SWOT

مولفه‌های توسعه پایدار	نقاط قوت (S)	نقاط ضعف (W)	فرصت‌ها (O)	تهدیدها (T)
<p>محیط زیست</p>	<p>- حفظ وضعیت طبیعی موجود در سطوح گسترده از باغ سفارت خانه‌ها و کاخ‌های پیرامون رودخانه - حفظ وضعیت کوهستانی و تپه‌ای در برخی از گستره‌ها - حداقل خسارات به توپوگرافی و حضور عوارض طبیعی در برخی از مناطق - برجای ماندن باغ‌های خصوصی بر جای مانده از تفکیک باغ‌ها در مجاورت رودخانه</p>	<p>- نامناسب بودن زیر ساخت‌های محیطی - احداث دیوارهای بتنی برای کاهش عرض رودخانه (که منجر به نابودی اکوسیستم‌های طبیعی گردیده است) - نابودی بستر طبیعی رودخانه و توپوگرافی زمین در اکثر محدوده‌ها - تخریب پوشش گیاهی در پیرامون رودخانه - آلودگی صوتی و هوا و ریختن پسماند و فاضلاب به داخل رودخانه‌ها - مسدود شدن کریدورهای جریان آب و هوا توسط تجاوزات ساخت و ساز مصنوعی به حریم</p>	<p>- روددره‌های درون شهری به عنوان مؤثرترین اندام‌های طبیعی شهر تهران - کریدور سرتاسری جریان آب و هوا از شمال به جنوب تهران - احیا و ارزش دهی به مناظر طبیعی در راستای افزایش کیفیت بصری - باززنده سازی اکوسیستم‌های طبیعی شهر تهران از طریق بهره گیری از ابعاد اکولوژی روددره‌ها</p>	<p>- بی توجهی به توان اکولوژیک بسترهای طبیعی درون شهری و عدم درک محیط زیست - عدم رعایت ضوابط مربوط به حریم روددره‌ها و مجاورت بی واسطه ساخت و سازها با طبیعت - پوشاندن مسیر رودخانه برای احداث بزرگراه بر روی آن و استفاده به عنوان فضاهایی با کاربری تجاری - تخریب بستر طبیعی برای کفسازی مسیر سواره رو در مجاورت روددره - عدم نگهداری صحیح، آبیاری نامنظم و احداث تراس‌هایی در کنار رودخانه - فقر زیر ساخت‌ها و تاسیسات شبکه‌های زیربنایی و روتنایی</p>
<p>اجتماعی</p>	<p>- فرارگیری امام‌زاده‌ها و اماکن مذهبی در امتداد روددره‌ها - حفظ بافت سنتی در برخی از مناطق - تمایل ساکنان به باززنده سازی وضع طبیعی و مشارکت محلی - احساس تعلق به فرهنگ ایرانی اسلامی - ظرفیت بالای بافت برای تعاملات اجتماعی و حضور شهروندان - تعلق خاطر جمعیت ساکن به محل به عنوان یک منطقه گران قیمت در شمال شهر</p>	<p>- عدم حضور مکان‌های مکث، رویارویی و تعاملات اجتماعی در طول روددره‌ها - تعارضات میان تنوع قومی و فرهنگی در میان بافت سنتی و نوساز - ضعف همبستگی اجتماعی در محله‌ها و نبودن برنامه‌های مشارکت محلی - ضعف در احساس مسئولیت اجتماعی ساکنین به دلیل اختلاط جمعیت بومی و مهاجر - از میان رفتن جذابیت بصری (عامل توقف و رویارویی شهروندان)</p>	<p>- روددره‌های درون شهری به عنوان مهم‌ترین عناصر شکل دهنده به زندگی جمعی - ایجاد پیوند میان شهر و شهروندان و پاسخگویی به گروهی از نیازهای شهروندان - طراحی مکان‌های عمومی پویا و زنده شهری برای تعاملات اجتماعی - طراحی عرصه‌های باز شهری در ترکیب با کاربری‌های مذهبی زیارتی</p>	<p>- تبدیل مسیرهای پیاده و مکان‌های مکث و توقف (برای استفاده عموم شهروندان) به معابر سواره رو در مجاورت رودخانه - تراکم بالای جمعیت در پهنه مسکونی با توجه به تراکم کالبدی - عدم تحقق حقوق شهروندی و اجتماعی</p>

<p>اقتصادی</p>	<p>- مجاورت و نزدیکی رودرها به مراکز فعالیتی تجاری اداری - فعالیت‌های اقتصادی در مقیاس عملکردی فرامنطقه‌ای، یکی از عوامل جذب جمعیت و حضور آنها در فضاهای طبیعی</p>	<p>- افزایش قیمت زمین و تجاوز ساخت و سازها به حریم طبیعی - مجموعه‌ای از کاربری‌های ناسازگار، مزاحم و جاذب ترافیک - خصوصی بودن باغ‌های برجای مانده و عدم تعلق آنها به عموم مردم</p>	<p>- ارزش اقتصادی بالای بافت در برخی از مناطق در جداره محورهای حرکتی اصلی - استقرار فعالیت‌های اقتصادی متناسب با محیط طبیعی در جهت پویایی اقتصادی - ایجاد فرصت‌های اشتغال، جذب گردشگر در قالب توسعه پایدار</p>	<p>- رشد اقتصادی و سنددار شدن اراضی سبب افزایش ساخت و سازها و غلبه بر محیط‌های طبیعی - تراکم فعالیت‌های اقتصادی جاذب ترافیک و ایجاد گره‌های ترافیکی - عدم تجانس برخی از فعالیت‌های اقتصادی (در سطوح عملکردی محلی، فرامنطقه‌ای و شهری)</p>
<p>فرهنگی</p>	<p>- حفظ وضعیت طبیعی رودرها در مناطق کوهستانی (گذران اوقات فراغت شهروندان در این اماکن)</p>	<p>- نابودی حریم رودرها و فضاهای پیرامونی خوش منظر (محل تجمع و گذران اوقات فراغت)</p>	<p>- ظرفیت‌های فضاهای طبیعی برای گذران اوقات فراغت شهروندان - ظرفیت‌های جذب گردشگر - افزایش فضاهای عمومی و تفریحی در آمیختگی با رودرها (شامل فعالیت‌های مختلف)</p>	<p>- افزایش بار ترافیکی ناشی از تجمع جمعیت در برخی از مناطق برای گذران اوقات فراغت</p>
<p>کالبدی</p>	<p>- ارتباط بصری تعداد محدودی از کالبد ابنیه قدیمی با محیط طبیعی پیرامونی</p>	<p>- بافت کالبدی نامتوازن، نا هماهنگ و دندانه‌ای در جداره رودرها - نامناسب بودن زیرساخت‌های کالبدی ساخت و ساز کالبد مصنوع در حریم و مجاورت بلافصل آن با رودرها - ساخت ابنیه نوساز با تراکم ساختمانی بالا در مجاورت بافت قدیمی و خط آسمان نامنظم - عدم توجه به عناصر تشکیل دهنده هویت شهرهای ایرانی اسلامی در ساختار کالبدی</p>	<p>- استفاده از ظرفیت‌های طبیعی و چشم اندازه‌های رودرها به منظور ارتقای کیفیت بصری کالبد مصنوع</p>	<p>- نفوذ و گسترش معماری فاقد هویت به درون بافت‌های تاریخی - غلبه نگرش اقتصادی بر ساختار کالبدی شهری</p>
<p>کالبدی</p>	<p>- پیوند فضای شهری با طبیعت در ارتفاعات شمالی شهر تهران - وجود عناصر فضایی با قابلیت کارکردی مختلف در برخی از گستره‌های موجود</p>	<p>- قرارگیری مسیر سواره‌رو در عرض باقیمانده در مجاورت بلافصل رودخانه برای دسترسی به واحدهای مسکونی - عدم رعایت سلسله مراتب فضایی</p>	<p>- نزدیکی محورهای فرامنطقه‌ای به رودرها - ارتباط و پیوستگی حوزه‌های فضایی پیرامونی توسط رودرها و وابستگی فضاهای شهری به آنها</p>	<p>- شکل‌گیری مسیر عبوری شهری در حریم رودرها - فقدان مطلوبیت همجواری عملکردها و کاربری‌ها</p>



جدول شماره ۳. راهبردهای پیشنهادی بر پایه تجزیه و تحلیل SWOT

راهبردهای رقابتی (ST)	راهبردهای محافظه کارانه (WO)	راهبردهای تدافعی (WT)	راهبردهای تهاجمی (SO)	راهبردهای مولفه‌های توسعه پایدار
<p>طراحی مسیرهای سبز پیاده محور در حریم و بن بست نمودن معابر شرقی غربی عمود بر روددره در جهت حفاظت از بسترها و اکوسیستم‌های طبیعی و عدم تخصیص این فضاها به مسیرهای عبوری سواره</p> <p>حفاظت از پوشش گیاهی توسط آسیب نرساندن به توپوگرافی طبیعی، آبیاری صحیح و منظم</p> <p>اتصال باغ‌ها و فضاهای سبز موجود به مسیرهای سبز پیاده خطی در اطراف روددره و شکل دادن به استخوان‌بندی شهری به منظور جلوگیری از تخریب بیش‌تر این منابع و گسترش آن‌ها به بافت پیرامونی</p>	<p>تدقیق حریم روددره به منظور جلوگیری از تجاوزات کالبد مصنوع</p> <p>تهیه طرح جامع مبارزه با آلودگی‌های زیست محیطی روددره‌ها با تأکید بر حفظ ویژگی‌های اکوسیستمی</p> <p>بازگشایی و آزادسازی مسیر کریدورهای طبیعی روددره برای ظهور مناسب جریان آب و هوا در مسیر، حضور اکوسیستم‌های طبیعی در حاشیه روددره و پیوند کف به بدنه‌ها</p>	<p>توجه به توان اکولوژیک منطقه و زیرساخت‌های موجود آن در بارگذاری‌های بعدی</p> <p>کاهش بار ترافیکی عبوری با ایجاد مسیرهای جایگزین و توسعه معابر پیاده</p> <p>رعایت حریم رودخانه در ساخت و سازهای جدید</p> <p>عدم مداخله در بدنه و شکل ارگانیک مسیر آب و رودخانه و بهسازی آن بر اساس پلان طبیعی</p> <p>جلوگیری از پوشیده شدن مسیر رودخانه و تأکید بر حضور آن با حفظ پاکیزگی و جریان دائمی آب</p>	<p>احیا و باززنده سازی باغ‌ها و مناظر طبیعی و استفاده از المان‌های طبیعی و بوم آورد در ایجاد فضاهای سبز کف و حاشیه خیابان</p> <p>جلوگیری از پیش روندگی بافت مسکونی و کالبد مصنوع در باغ‌ها و فضاهای سبز موجود و تدوین ضوابط خاص ساخت و ساز اعم از سطح اشغال، ارتفاع، کاربری و طراحی نما برای جداره این روددره</p>	<p>رشد اجتماعی</p>
<p>ارتباط و پیوستگی محورهای سبز پیاده در اطراف روددره با امکان مذهبی قرار گرفته در پیرامون آن، در جهت باززنده سازی این اماکن در زندگی شهروندان توسط حضور، رویارویی و تعاملات اجتماعی مردم</p> <p>تحقق حقوق شهروندی و اجتماعی از طریق ایجاد فرصت‌های اجتماعی - فرهنگی</p> <p>توزیع متعادل جمعیت در پهنه‌های مسکونی پیرامون روددره متناسب با توان بسترهای طبیعی توسط تهیه طرح تراکم و طبقات</p>	<p>طراحی عرصه‌های عمومی جمعی برای برقراری تعاملات اجتماعی و رویارویی شهروندان برای شکل بخشیدن به زندگی جمعی در ارتباط با روددره</p> <p>افزایش احساس مسئولیت اجتماعی و همبستگی شهروندان نسبت به شهر و منابع طبیعی توسط مشارکت دادن در روند طراحی و برنامه‌ریزی باززنده سازی مکان‌های عمومی در ترکیب با روددره</p> <p>تهیه طرح منظر برای افزایش جذابیت بصری در جداره روددره و مسیرهای سبز پیاده برای افزایش حضور شهروندان و پاسخ‌گویی به نیازهای‌شان</p>	<p>تقویت بنیان‌های اجتماعی با تأکید بر محله محوری و استفاده از توانایی و حساسیت‌های سازمانهای مردم نهاد در تصمیم سازی و تصمیم‌گیری (مشارکت در مدیریت روددره)</p> <p>تأکید بر توسعه و بهسازی فضاهای حضور و رویارویی جمعی برای تسهیل تعامل و برخورد‌های اجتماعی</p> <p>تقویت دانش اجتماعی شهروندان از طریق آموزش حقوق شهروندی</p>	<p>خلق فضاهای تجمع و عرصه‌های باز فعالیت جمعی در جهت برگزاری جشن‌ها، مراسم مذهبی و برقراری تعاملات اجتماعی در ترکیب با امکان مذهبی</p> <p>بازر کردن امامزاده در مجموعه تجریش و ایجاد ارتباط منطقی و پیوستگی اجتماعی میان بافت‌های پیرامونی با امامزاده</p> <p>برقراری تعامل و پیوند گروه‌های مختلف اجتماعی و تشکیل نهادهای مردمی توسط طراحی عرصه عمومی فعالیتی</p> <p>امتداد و شکل‌گیری فضاهای تجاری در قالب معماری ایرانی اسلامی، با الگوبرداری از بازارهای سنتی در پیوستگی متقابل با کارکردهای مذهبی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی منطقه</p>	<p>اجتماعی</p>



<p>تجاری</p>	<p>- تعریف پروژه‌های مختلط تجاری، اداری و فرهنگی با مشارکت بخش خصوصی با توجه به ارزش افزوده سرمایه‌گذاری در منطقه در نوسازی بافت موجود بر اساس ضوابط بازآفرینی</p>	<p>- کنترل قیمت زمین از طریق کاهش بارگذاری و عدم صدور جوازهای ساخت و ساز با تراکم بالا - استقرار فعالیت‌های اقتصادی سازگار با فرهنگ و جو غالب مذهبی ناشی از حضور امام‌زاده صالح در منطقه</p>	<p>- تملک اراضی پیرامون حریم روددره از طریق تعریف زمین‌ها در قالب اراضی ملی -تهیه طرح کاربری اراضی به منظور حذف کاربری‌های ناسازگار - تهیه طرح امکان‌سنجی اقتصادی برای جداره‌های حرکتی دارای ظرفیت</p>
<p>تفریحی</p>	<p>- ایجاد جاذبه‌های گردشگری تفریحی از طریق ایجاد سخت‌افزارها و نرم‌افزارهای موجود با تکیه بر پیشینه تاریخی منطقه و حس نوستالژیک شهروندان تهران - استفاده از ظرفیت‌های طبیعی و احیا و باززنده سازی آن‌ها برای گذران اوقات فراغت</p>	<p>- خرید و تملک باغ‌های موجود توسط شهرداری یا توافق مبنی بر اختصاص بخش عمده‌ای از عرصه آن به فضاهای سبز شهری و اختصاص آن به فضاهای تفریحگاهی و گذران اوقات فراغت</p>	<p>- طراحی فضاهای عمومی تفریحی و عملکردی شامل فعالیت‌های مختلف در سازگاری با محیط طبیعی و پاسخگویی به نیازهای شهروندان برای گذران اوقات فراغت</p>
<p>کالبدی</p>	<p>- ایجاد پیوستگی بصری بر طراحی جداره و دیواره مناسب برای کناره‌های معبر اصلی مقصودبیک توجه به عناصر شکل دهنده هویت اسلامی ایرانی در ساختار کالبدی - ارتقاء کیفیت بصری کالبد مصنوع توسط برقراری ارتباط متقابل میان ساختار کالبدی با روددره‌ها و چشم‌اندازهای اطراف</p>	<p>- ترغیب و تشویق سازندگان به حفظ فرهنگ غالب محله و هویت ایرانی اسلامی از طریق تخفیف در عوارض صدور پروانه - افزایش تراکم به شرط ساخت و ساز در بخش کوچکی از زمین (کاهش سطح اشغال) مشابه برج باغ‌ها حتی به اراضی با کاربری مسکونی و با مساحت بالا</p>	<p>- تأکید بر نقش طبیعت در تلفیق با ساختار کالبدی مصنوع در هویت بخشی به شهرهای ایرانی اسلامی - ساخت ابنیه با حداقل تراکم ساختمانی در پیرامون روددره در جهت امکان بهره‌گیری از دید و مناظر طبیعی و امکان سیرکولاسیون هوای مطلوب در اکثر ابنیه مجاور</p>
<p>تفریحی</p>	<p>- توجه به گردش آب در معابر پیاده در کنار استفاده از فضاهای سبز طبیعی با گونه‌های گیاهی بومی - ارتباط و پیوستگی میان روددره مقصود بیک با سازمان فضایی شهر تهران</p>	<p>- طراحی مسیرهای سبز پیاده‌خالی در امتداد روددره و عدم تبدیل این فضاها به مسیر عبوری شهری و پارک حاشیه‌ای</p>	<p>- بهره‌گیری از هم‌پیوندی فضایی مناسب میان حوزه‌های فضایی با کارکردهای تأثیرگذار بر یکدیگر - طراحی فضای بینابین میان حوزه‌های فضایی</p>

نتیجه گیری

توسعه فضاهای شهری تهران بدون شناخت کافی توان‌های اکولوژیکی بسترهای طبیعی و عدم توجه به تمامی ابعاد توسعه پایدار شهری، منجر به گسیختگی پیوند میان انسان، طبیعت شهری و معماری شده است. رودرزه‌ها (کریدورهای اکولوژیک) به عنوان یکی از توانمندی‌های ملی و طبیعی در ارائه خدمات زیست محیطی، تفریحی، اجتماعی و اقتصادی به بافت پیرامونی و شهر، نقش اساسی در توسعه پایدار شهری را دارند. بازنده‌سازی رودرزه‌ها به عنوان احیای لبه‌های طبیعی و اکولوژیکی شهری، برنامه‌ریزی و طراحی آن‌ها به منظور تبدیل شدن به محورهای سبز و اندام‌های مرکب شهری به عنوان راه‌کاری در جهان ارائه شده است. در واقع می‌توان با حضور و نقش‌آفرینی طبیعت در ساختار و بستر شهرها، در راستای پایداری شهری گام برداشت.

مطابق با رویکرد بازآفرینی رودرزه‌های درون شهری همراه با نقش‌آفرینی آن‌ها در ساختار شهر، تجهیز رودرزه‌ها به زندگی جمعی و ایجاد پیوند میان محیط طبیعی و کالبد مصنوعی با حفظ مؤلفه‌های توسعه پایدار در تمامی ابعاد خود باید به ویژگی‌های زیر توجه داشت:

- حفظ رودخانه و جریان دائمی آن در مسیر مقصودبیک، به عنوان یک شناسه طبیعی که می‌تواند با لحاظ موارد ذیل، پیوند میان طبیعت و فضاهای انسان‌ساخت را برقرار سازد و حس هویت مکان را تقویت نماید.

۱. تعیین مرز و حریم ساخت و ساز در لبه شمالی شهر و همچنین در طول کریدورهای اکولوژیک گسترده شده در داخل شهر تهران و عدم مالکیت خصوصی در محدوده حرایم طبیعی و تعلق این فضاها به عموم مردم.

۲. بازتعریف فضاهای شهری پیاده‌محور در دو سمت رودخانه، در جهت فراهم سازی یکی از زمینه‌های توسعه پایدار شهری (فضاهای پیاده به عنوان عرصه عمومی برای وقوع تعاملات اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، ایجاد خاطره و بیان احساسات جمعی است).

۳. ایجاد عرصه‌های باز عمومی در فواصل مناسب و حضور جریان آب در این فضاها برای توقف و گردهمایی ساکنان در محله پیش‌بینی گردد.

۴. نفوذپذیری بصری و فیزیکی عابران به رودخانه از محورهای حرکتی اصلی تشکیل‌دهنده استخوان‌بندی تهران، از طریق حذف پارکینگ‌های حاشیه خیابان (استقرار پارکینگ با حجم بالا)، احداث رمپ در تلفیق با بستر طبیعی و طراحی پل عابر پیاده برای اتصال و ارتباط دو سمت رودخانه با پیاده راه‌ها، مسیرهای سبز و خیابان.

۵. توجه به بستر و زمینه طرح (طراحی زمینه‌گرا) و امکان بازتاب ویژگی‌ها و توانمندی‌های سایت و محیط پیرامونی در طرح و در سیمای شهری.

۶. استفاده از معیارهای هویت‌بخش به معماری و شهرسازی ایرانی - اسلامی و مطابقت آن‌ها با زمان حاضر در بافت مسکونی پیرامونی (با تأکید بر معماری گذشته شمیرانات).

۷. استفاده از آرایه‌های طبیعی پیرامون رودخانه و طراحی مبلمان شهری.

- مشارکت شهروندان و عموم مردم در فرایند طراحی و اجرا (طراحی تعاملی - ادراکی - پایدار) و بسط عدالت اجتماعی.

۸. برقراری عدالت، سرزندگی و نشاط و توسعه سامان‌دهی به بافت پیرامونی توسط شهروندان.

۹. ایجاد زمینه‌هایی برای مشارکت مردم در تصمیم‌گیری و مدیریت محیط زیست.

۱۰. ۱۰. برقراری تعامل و پیوند گروه‌های اجتماعی مختلف و تشکیل نهادهای مردمی توسط طراحی عرصه‌های عمومی فعالیتی.

- بازنده‌سازی و احیای باغ‌های موجود در مجاورت رودرزه‌ها و تبدیل آن‌ها به عرصه عمومی توسط اتصال فضاهای سبز موجود و باغ‌ها به محورهای سبز خطی در امتداد رودرزه‌ها

۱۱. تداوم و گسترش طبیعت در ساختار شهر تهران، تلفیق عملکردهای شهری متناسب با ساختار شهر و طبیعت در بسترهای طبیعی و عدم غلبه محیط مصنوع بر طبیعی.

- تهیه طرح منظر برای بافت‌های پیرامونی مقصودبیک برای ایجاد هماهنگی میان ارتفاع و مصالح، ایجاد توازن بین کاربری‌ها و جلوگیری از آلودگی و اغتشاش بصری.

۱۲. ۱۲. ارتقای نقش منظر شهری از منظر شهری تزیینی تا حد یک ساختار اجتماعی - فضایی پایدار در ارتباط با ابعاد اجتماعی، فرهنگی، زیست محیطی، هویت مکان و توسعه پایدار و در آمیختگی با استخوان‌بندی ساختار شهر تهران.

۱۳. بازآفرینی رودرزه‌ها، به عنوان محرکی برای توسعه شهری آتی بافت‌های پیرامونی و هدایت آن.

- ایجاد ارتباط منطقی و تعریف شده میان رودخانه با نقاط کانونی موجود با کارکرد فرمانطقه‌ای در امتداد آن.

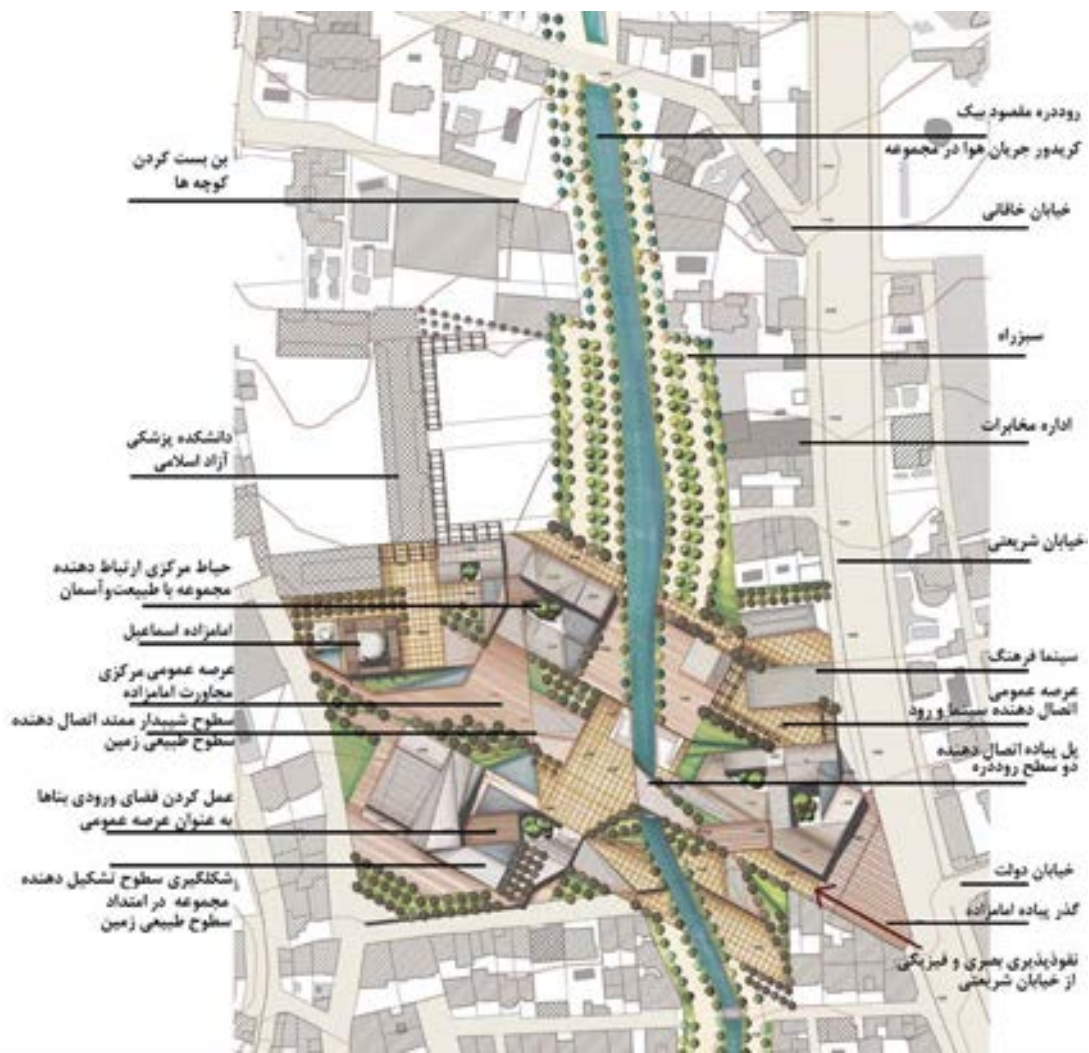
۱۴. گستره‌هایی با امکان مداخله در امتداد رودرزه‌ها (که در تلاقی با محورهای حرکتی اصلی شهری است و دارای نقاط کانونی با مقیاس عملکردی فرمانطقه‌ای است) شناسایی گردد و سپس در این محدوده‌ها خلق عرصه‌های فعالیت جمعی در آمیختگی با ساختار شهر، طبیعت و بافت پیرامونی صورت گیرد. در این راستا باید توجه به حوزه‌های معماری، طراحی شهری و منظر به صورت همزمان و متقابل صورت پذیرد.

۱۵. طراحی عرصه بینابین، حد واسط کالبد مصنوعی و محیط طبیعی شهری. این فضای حد واسط باید دارای سلسله مراتب تدریجی در داخل شهر باشد و امکان قرائت‌های متفاوت از طرح به مثابه یک متن وجود داشته باشد.

- خلق فضاهای تجمع و عرصه‌های فعالیت جمعی برای تعاملات اجتماعی، برگزاری جشن‌ها و مراسم مذهبی در ترکیب با امکان زیارتی.

- بازسازی و استقرار فعالیت‌هایی متناسب با محیط طبیعی در راستای احیای قسمتی از هویت تجریش و شمیران قدیم.

بر اساس مؤلفه‌های نتیجه‌گیری شده، نمونه طرح پیشنهادی برای



تصویر شماره ۷. آلترناتیو پیشنهادی

فهرست منابع و مراجع

۱. ایرانی بهبهانی، هما، شهین زندی و مهرو ابرکار (۱۳۸۱)، «بقاء محیط طبیعی درون شهری و استفاده بهینه از آن (مطالعه موردی: دره فرحزاد)»، فصلنامه محیط‌شناسی (۵۴-۴۳)، شماره ۳۰، پاییز و زمستان ۱۳۸۱.
۲. بحرینی، دکتر سید حسین (۱۳۷۸)، **تجدد، فراتجد و پس از آن در شهرسازی**، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
۳. تقی‌زاده، محمد (۱۳۷۹)، «فرهنگ اسلامی و توسعه پایدار شهری»، دوفصلنامه مدیریت و برنامه‌ریزی شهری (۷۴ و ۷۳)، شماره ۱، بهار ۱۳۷۹.
۴. حبیبی، سید محسن و ملیحه مقصودی (۱۳۸۶)، **مرمت شهری**، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
۵. حمیدی و دیگران (۱۳۷۶)، **استخوانبندی شهر تهران**، معاونت فنی و عمرانی شهرداری تهران، تهران.
۶. رادکلیف، مایکل (۱۳۷۳)، **توسعه پایدار**، ترجمه حسین نیر، انتشارات مرکز مطالعات برنامه ریزی اقتصاد کشاورزی، تهران.
۷. سلطان‌زاده، حسین (۱۳۶۲)، **روند شکل‌گیری شهر و مراکز مذهبی در ایران**، انتشارات آگاه، تهران.

گستره‌ای از رودرود مقصودی که در تلاقی با محورها حرکتی فرا منطقه‌ای است و دارای نقاط کانونی با کارکرد فرمانطقه‌ای نیز هست، در زیر ارائه می‌گردد.

خلق عرصه فعالیت عمومی با مقیاس عملکردی فرمانطقه‌ای در پیوند با بستر طبیعی و استخوان‌بندی شهر تهران توسط برقراری ارتباط فیزیکی و بصری مجموعه با عناصر طبیعی و بافت پیرامونی و هماهنگی کارکردهای فرهنگی، آموزشی، تجاری، اداری، مذهبی و خدماتی سایت فراهم می‌گردد (تصویر شماره ۷).

پی‌نوشت‌ها

1. Brundtland
2. Iman and E.Cox
3. Donella Meadows
4. Lofor
5. John Punter
6. Francis Tibbalds
7. Henry Shaftoe
8. Simon Bell

۸. صرافی، مظفر (۱۳۷۹)، «شهر پایدار چیست؟»، دو فصلنامه مدیریت و برنامه ریزی شهری (۱۳-۶)، شماره ۴، زمستان ۱۳۷۹.
۹. لنگ، جان (۱۳۸۶)، طراحی شهری گونه شناسی رویه ها و طرح ها همراه با بیش از پنجاه مورد خاص، ترجمه حسین بحرینی، دانشگاه تهران، تهران.
۱۰. مدنی پور، علی (۱۳۸۴)، طراحی فضای شهری؛ نگرشی بر فرایندی اجتماعی - مکانی، ترجمه: فرهاد مرتضایی، شرکت پردازش و برنامه ریزی شهری، تهران.
۱۱. مهندسین مشاور بوم سازگان (۱۳۸۵)، طرح جامع تهران.
۱۲. مهندسین مشاور شاران (۱۳۸۴)، الگوی توسعه منطقه ۳ شهر تهران.
۱۳. مهندسین مشاور شاران (۱۳۸۶)، طرح تفصیلی منطقه ۳ شهر تهران.
۱۴. نراقی، فتانه و محمد امین میرفندرسکی (۱۳۸۶)، «طرح کوهسرا»، فصلنامه آبادی (۸۹-۸۴)، شماره ۵۶، پاییز ۱۳۸۶.
۱۵. نوابخش، مهرداد و اسحق ارجمند سیاه پوش (۱۳۸۸)، مبانی توسعه پایدار شهری، انتشارات جامعه شناسان، تهران.
۱۶. نوربری - شولتز، کریستیان (۱۳۸۴)، مفهوم سکونت: به سوی معماری تمثیلی، ترجمه: محمود امیر یاراحمدی (۱۳۸۴)، انتشارات آگاه، تهران.

- 17- Bell, Simon (1999), Landscape: pattern, perception and process, E & FN Spon, London.
- 18- Ellin, Nan (2006), Integral urbanism, Taylor & Francis Group, New York.
- 19- Jenks, M., Burton, E., and Williams, K. (1996), (eds) The Compact City: A Sustainable Urban Form?, E & FN Spon, an imprint of Chapman and Hall, London.
- 20- L.Motlock, John (2000), Introduction to landscape design, John Wiley and Sons Ltd, united states.
- 21- Leman, Edward and John E. Cox. (1991), Sustainable urban development: strategic considerations for urbanization nations, Ekistics, Vol. 58, No. 348/349: 216-224.
- 22- Meadows, D. (1994), Can Los Angeles learn to live with limits, Utne Readers 66 (november/December): 136-38.
- 23- Punter, John and Matthew Carmona (1997), The design dimension of planning: theory, content and best practice, E & FN Spon, London.
- 24- Shaftoe, Henry (2008), convivial spaces: creating effective public places, Earthscan, London.
- 25- Tibbalds, Francis (2001), Making people friendly towns: improving the public environment in towns and cities, Spon press, London.
- 26- UNESCO (1997), Education for a sustainable future, UNESCO/The Government of Greece, Thessaloniki.